

تحلیل همبستگی کانونیکالی توسعه انسانی و دموکراسی (مطالعه بین کشوری)

رضا بابایی آغدونلو^۱، دکتر افشار کبیری^۲، دکتر حسین رستم‌زاد^۳

چکیده

هدف این مقاله یافتن علت اصلی تفاوت در میزان دموکراتیزاسیون در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. فرضیه پژوهش حاضر این است که یک همبستگی متقابل میان شاخص‌های توسعه انسانی از یک سو و شاخص‌های دموکراسی از سوی دیگر، وجود دارد. روش مورد استفاده در این پژوهش همزمان کیفی و کمی است.

در این پژوهش هر دو مفهوم توسعه انسانی و دموکراسی از طریق تعریف عملیاتی به شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و جزئی‌تری شکسته شده‌اند تا هم نگاه دقیق‌تری به شاخص‌های مذکور داشته باشد. روش نمونه‌گیری به صورت غیرتصادفی و هدفمند بوده و سعی شده است تا کشورهای مختلف در حال توسعه با مناطق جغرافیایی گوناگون را با توجه به وجود داده‌های مورد نیاز را دربرگیرد. یافته‌های این پژوهش که در نتیجه بکارگیری تحلیل همبستگی کانونی و آماره آزمونی لامبدای ویلکس به دست آمده است، نشان می‌دهد که ارتباط متقابل و هم‌افزاینده‌ای میان توسعه انسانی و دموکراسی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. به طوری که ارتقای یکی به بهبود دیگری می‌انجامد و متعاقباً نقصان هر یک از شاخص‌های مذکور، تأثیرات سوئی بر دیگری می‌گذارد. طبق نتایج به دست آمده، دو شاخص فرهنگ سیاسی و آزادیهای مدنی نسبت به سایر شاخص‌های دموکراسی (کارکرد دولت، فرایند انتخابات و مشارکت در انتخابات) سهم بالایی در پیشبرد توسعه انسانی دارند، همچنین درآمد نسبت به عوامل سلامت، بهداشت و امید به زندگی سهم بیشتری در ارتقای دموکراسی داشته است. از این رو، جهت افزایش مولفه‌های توسعه انسانی بایستی اهمیت وافری به مولفه‌های فرهنگ سیاسی و آزادی‌های مدنی داد.

واژگان کلیدی: توسعه انسانی، دموکراسی، فرهنگ سیاسی، آزادی‌های مدنی.

۱- کارشناس ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تبریز
 ۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تبریز
 ۳- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تبریز

مقدمه

مفهوم «شاخص‌های توسعه انسانی» مفهوم نوینی است که با گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ توسط «محبوب‌الحق» ابداع و رواج یافت. با بهره‌گیری از یک نگرش سیستماتیک، این گزارش چهار ویژگی اصلی توسعه انسانی را مورد شناسایی قرار داد که عبارتند از: جهان شمولی، انسجام درونی، انعطاف پذیری و مردم محوری. نهایتاً، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، هفت جنبه مهم از توسعه انسانی را در ابعاد فردی، زیست محیطی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، بهداشت و امنیت غذایی خلاصه می‌کند. آخرین تلاش‌های بین‌المللی در زمینه اندازه‌گیری درجه توسعه یافتگی و مقایسه بین‌المللی کشورها به خلق شاخص توسعه انسانی (HDI) توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰ انجامید. این شاخص از زمان اولین انتشار آن در سال ۱۹۹۰ همواره به صورت سالانه در قالب گزارش‌هایی از روند پیشرفت شاخص‌های توسعه انسانی توسط سازمان ملل منتشر شده و مورد استفاده کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مختلف قرار می‌گیرد.

شاخص توسعه انسانی ترکیبی از چهار معیار متفاوت است که در سه مؤلفه امید به زندگی، آموزش و تولید ناخالص سرانه داخلی قرار می‌گیرند. در واقع، شاخص توسعه انسانی یک میانگین ساده از سه مؤلفه فوق است. حقوق عمومی دموکراتیک نیز که زیربنای نظام‌های دموکراسی را تشکیل می‌دهد، شامل هفت محور اساسی حقوق بهداشت، رفاه، کار و همچنین حقوق فرهنگی، سیاسی، مدنی، اقتصادی می‌شود. حقوق عمومی دموکراتیک شامل مجموعه کاملی از حقوقی است که همه انسان‌ها صرفاً به موجب انسان بودن خود، استحقاق برخورداری از آن را دارند. این مفهوم پیوند تنگاتنگی با رژیم‌های سیاسی دموکراتیک دارد که زمینه ایجاد چنین حقوقی را برای شهروندان خود، فراهم می‌آورند. حقوق عمومی دموکراتیک را می‌توان از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر استخراج نمود. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی طی قطعنامه ۲۱۷، از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد مجموعه‌ای از حقوق را برشمرده است که با حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارد. مجمع عمومی از همه کشورهای عضو سازمان و کلیه ملل خواست تا شناخت و رعایت موثر از حقوق و آزادی‌های مندرج در آن را ترویج و تأمین نمایند. از آن‌جا که اعلامیه جهانی حقوق بشر، نیاز به روشنگری و شرح و تفسیر داشت بنابراین کمیسیون‌های حقوق بشر در صدد تدوین میثاق‌های دیگر بر آمده‌اند تا کاستی‌های آن را تا حد توان، برطرف سازند. برای این هدف میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی

و فرهنگی تهیه و در سال ۱۹۵۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیدند. از آنجا که وجود حقوق عمومی دموکراتیک در هر جامعه‌ای بیش از هر چیز به وجود و توسعه دموکراسی نوین بستگی دارد؛ تجانس و همسانی قابل توجهی میان شاخص‌های توسعه انسانی از یک سو و معیارهای حقوقی دموکراسی از سوی دیگر، مشاهده می‌شود.

طی دهه گذشته میلادی، برخی از کشورهای در حال توسعه همچون ترکیه، مالزی و برزیل به موازات بهبود شاخص‌های توسعه اقتصادی خویش، به موفقیت‌های چشم‌گیری در حوزه توسعه سیاسی و دموکراسی دست یافته‌اند. لکن در طرف دیگر، کشورهایی همچون عربستان سعودی و سایر شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج فارس، به رغم دریافت سودهای کلان ناشی از افزایش قابل توجه قیمت نفت، در مقابل محرک‌های دموکراسی مقاومت جدی از خود نشان داده‌اند. از این رو، بار دیگر این پرسش اساسی ذهن تحلیل‌گران و متفکرین عرصه علوم اجتماعی را به خود مشغول کرده است که چه نسبتی میان توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی (دموکراسی) وجود دارد. پژوهش حاضر در تلاش است تا در این رابطه و جهت زدودن ابهامات و دوگانگی‌های موجود، نقطه محوری بحث را به مبحث توسعه انسانی بکشانند. با توجه به این امر که اختلاف نظرهای عمیقی میان اولویت‌های توسعه‌ای در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، بررسی رابطه میان شاخص‌های توسعه انسانی و معیارهای دموکراسی امروزی ضروری است تا مشکلات و موانع موجود در برابر فرآیند دموکراتیزاسیون این کشورها شناسایی شود و راهکارهای مناسبی جهت حل و فصل آن‌ها ارائه گردد. در نتیجه سوال اصلی این پژوهش این است که چرا میزان دموکراسی در کشورهای در حال توسعه متفاوت می‌باشد؟ آیا تفاوت‌های مذکور از میزان توسعه اقتصادی آن‌ها سرچشمه می‌گیرد؟ یا متأثر از تفاوت در شاخص‌های توسعه انسانی این کشورهاست؟ بررسی رابطه میان توسعه انسانی و دموکراسی در جوامع در حال توسعه، موضوعی است که به صورت مجزا، مورد بررسی قرار نگرفته است.

۱) تعریف مفاهیم

۱-۱- توسعه انسانی

بر پایه تعریف برنامه توسعه سازمان ملل، توسعه انسانی به معنی گسترش فرآیند گزینش افراد است. این شاخص، شهروندان و دولت‌ها را توانا می‌سازد تا پیشرفت‌ها را در گذر زمان ارزشیابی و برای دخالت سیاسی اولویت تعیین کنند. مفهوم توسعه انسانی، گویای آن است که هدف اصلی توسعه، بهره‌مند ساختن راستین انسان یا بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی انسان‌ها است. توسعه انسانی، انسان را در کانون الگوهای توسعه قرار می‌دهد، نه در کنار آن. همچنین زمینه‌های ژرفی درباره ویژگی‌های رشد

اقتصادی و چگونگی توزیع آن به میان می‌آورد. مرتبط ساختن وضع اقتصادی و زندگی انسان در کانون توجه توسعه انسانی است. دورنمای اصلی توسعه انسانی این است که توسعه باید چیزی بسیار بیش از افزایش درآمد و دارایی باشد. کانون توجه توسعه، باید انسان باشد و در کنار آن هدف‌های بزرگی همچون کاهش بنیادی فقر و امکان برخورداری عادلانه شهروندان از فرصت‌های اقتصادی را دنبال کند (فطرس و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۱۰)

۱-۲- دموکراسی

دموکراسی حکومتی است که در آن قدرت عالی به منبعث از مردم بوده و مردم حق اعمال حاکمیت بر سرنوشت خویش را دارند. واژه دموکراسی نیز، مانند بسیاری از اصطلاحات اصلی علم سیاست از جمله خود «سیاست» در اصل واژه‌ای است یونانی که از دو واژه‌ی کوتاه‌تر «دموس» و «کراتوس» تشکیل شده است. هر دو اصطلاح چند معنی دارند. دموس می‌تواند هم به معنای کلیه‌ی شهروندانی باشد که در پولیس یا دولت-شهر زندگی می‌کنند، و هم به معنای «اراذل و اوباش» یا «توده‌ی عوام» و یا «اقشار فرودست» به کار رود. کراتوس می‌تواند هم به معنای «قدرت» و هم به معنای «قانون» باشد که این دو معنای یکسانی ندارند. می‌توان گروه‌ها یا افرادی را تصور در آورد که بدون آن که به صورت رسمی و مشهود حکومت کنند، دارای قدرت باشند. بنابراین ممکن است در یک دموکراسی صوری که به نظر می‌رسد مردم یا نمایندگان مردم حکومت می‌کنند، توزیع قدرت واقعی کاملاً غیردموکراتیک باشد. یا برعکس، در یک نظام سیاسی که در آن سلطنت یا اشراف به صورت فرمایشی حکومت می‌کنند، شاید این واقعیت آشکار نباشد که قدرت واقعی در دستان مردم است. این ابهام در هر دو واژه‌ی سازنده‌ی دموکراسی، از زمان شکل‌گیری مفهوم و واقعیت دموکراسی وجود داشته، و برای درک معنا و تاریخ دموکراسی اهمیت ویژه‌ای دارد. علی‌رغم اینکه واژه دموکراسی برای بسیاری از مردم واژه‌ای آشنا و ساده به نظر می‌رسد، بی‌شک دموکراسی یکی از پیچیده‌ترین اصطلاحات سیاسی است. تاریخ گواه این ادعاست که در دوره‌های مختلف مفاهیم گوناگون و گاه متضادی از واژه دموکراسی برداشت می‌شده است. اما امروزه شاخص‌ها و معیارهای عامی برای ارزیابی کیفیت دموکراسی در کشورهای گوناگون در دسترس می‌باشد که مورد توافق اکثریت نخبگان و توده‌ها می‌باشد (هلد، ۱۳۶۹: ۷۱).

۱-۳- کشورهای در حال توسعه

اصطلاح کشورهای در حال توسعه به دسته‌ای از کشورها اطلاق می‌شود که با استانداردهای نسبتاً پایین زندگی، پایه صنعتی توسعه نیافته و شاخص‌های پایین توسعه انسانی شناخته می‌شوند. هر چند که این اصطلاح شباهت‌های زیادی با مفاهیم

کشورهای جهان سوم و کمتر توسعه یافته دارد، لکن دقیقاً با آنها یکسان نیست. لفظ جهان سوم اشاره به فضای اقتصادی و سیاسی دوران جنگ سرد دارد که در آن جهان به دو بلوک سرمایه‌داری و سوسیالیستی تقسیم شده بود لذا بخش عظیمی از کشورهای ضعیف‌تر را که در هیچ یک از این دو بلوک نمی‌گنجیدند، در دسته سوم قرار می‌دادند که جای پرسش زیادی هم داشت. همچنین کاربرد اصطلاح کشورهای در حال توسعه برای تمام کشورهای کمتر توسعه یافته را می‌توان نامناسب دانست؛ زیرا تعدادی از کشورهای فقیر در حال بهبودی اوضاع اقتصادی خود نیستند، بلکه دوره‌های طولانی از افول اقتصادی را تجربه نموده‌اند. افزون بر این، کشورهایی که دارای اقتصادهای پیشرفته‌تر در میان ملل در حال توسعه می‌باشند، اما هنوز به طور کامل نشانه‌های یک کشور توسعه یافته در آنها تثبیت نشده‌است، تحت اصطلاح کشور تازه صنعتی شده دسته‌بندی می‌شوند (www.wikipedia.org).

۲- تعریف عملیاتی مفاهیم

۲-۱- توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی، شاخصی ترکیبی است که میانگین برخوردارگی یک کشور را در سه زمینه اصلی از توسعه انسانی، اندازه گیری می‌کند. این سه زمینه عبارت است از مدت و سلامت زندگی (که با شاخص امید به زندگی به هنگام تولد اندازه‌گیری می‌شود)، دانش (که با شاخص‌های امید به تحصیل و میانگین سال‌های تحصیلی) و سطح استاندارد زندگی (که با شاخص درآمد ناخالص ملی سرانه بر پایه توان خرید دلار آمریکا) اندازه گیری می‌شود. شاخص توسعه انسانی نشان می‌دهد که هر کشور تا رسیدن به مرحله تأمین گزینه‌های ضروری برای همه شهروندان خویش، چه راهی باید بییماید؛ شاخصی است که توانمندسازی را اندازه‌گیری می‌کند و نشان می‌دهد که اگر شهروندان یک کشور سه گزینه بنیادی (امید به زندگی، آموزش و درآمد ملی) را داشته باشند، خواهند توانست دیگر فرصت‌ها را نیز به دست آورند (فطرس و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۱۰).

از سال ۱۹۹۰، هر ساله گزارشی با نام گزارش توسعه انسانی توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد منتشر می‌شود و در آن کشورها در شاخص‌های مختلفی مانند شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی، سیاسی و... مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در گزارش توسعه انسانی، کشورها را بر اساس میزان شاخص توسعه انسانی به گروه‌های کشورهای با توسعه انسانی بسیار زیاد، کشورهای با توسعه انسانی زیاد، کشورهای با توسعه انسانی متوسط و کشورهای با توسعه انسانی کم تقسیم می‌کنند (www.wikipedia.org).

۲-۲- دموکراسی

شاخص دموکراسی یک شاخص ترکیبی است که وضعیت دموکراسی را در ۱۶۷ کشور جهان مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این شاخص منتج از ۶۰ پرسش می‌باشد که به ۵ دسته کلی قابل تقسیم است. این ۵ دسته عبارتند از: فرآیند انتخابات (تکثرگرایی)، آزادی‌های مدنی، کارکرد حکومت، مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی. بر اساس میانگین امتیازهایی که کشورها به دست می‌آورند، کشورها در یکی از ۴ گروه دموکراسی‌های کامل، دموکراسی‌های متلون، رژیم‌های هیبرید (مختلط) و رژیم‌های اقتدارگرا قرار می‌گیرند. این شاخص برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ معرفی گردید و در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به روزرسانی شد. شاخص دموکراسی توسط یک موسسه غیردولتی به نام «واحد اطلاعات اکونومیست» به صورت سالیانه منتشر می‌شود و تغییرات موجود در وضعیت و میزان دموکراسی کشورها را ردیابی می‌کند. در پژوهش حاضر از داده‌های این موسسه که در سال ۱۹۶۴ تأسیس شده و مرکز آن در لندن (انگلستان) می‌باشد، بهره گرفته شده است (Democracy index, 2011)

۲-۳- کشورهای در حال توسعه

۵۷ کشوری که در این پژوهش تحت عنوان کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، کشورهایی غیرصنعتی و غیرتوسعه یافته می‌باشند. به عبارت دیگر، ۵۷ کشور مزبور به لحاظ توسعه انسانی در یکی از گروه‌های متوسط و یا کم قرار دارند و به لحاظ دموکراسی در یکی از گروه‌های دموکراسی متلون، رژیم‌های مختلط و یا رژیم‌های اقتدارگرا قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، هیچ یک از ۵۷ کشور منتخب در این پژوهش در گروه توسعه انسانی بالا و همچنین گروه دموکراسی‌های کامل قرار ندارند. در انتخاب این کشورها سعی شده است تا فرهنگ‌ها و مناطق گوناگون لحاظ گردد تا عوامل محلی و منطقه‌ای تأثیر ناچیزی بر نتایج پژوهش داشته باشند.

۳- چارچوب نظری

۳-۱- نظریه‌های توسعه انسانی و دموکراسی

مفهوم توسعه انسانی به واسطه تحول در محیط بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد پا به عرصه وجود نهاد. ترکیبی از عوامل مختلف به ایجاد مفهوم توسعه انسانی کمک کردند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: کاهش تهدید سلاح‌های هسته‌ای و پیدایش تهدیدات غیرنظامی جدید، بسط دموکراسی در مناطق توسعه نیافته جهان و توجه بیشتر به کیفیت زندگی و حیات انسان، ارتقای نقش حقوق بشر در سطوح ملی و بین‌المللی، تشدید فرآیند جهانی شدن که از طریق به هم فشردگی زمان و مکان،

موجب نفوذپذیری مرزهای ملی شده و سرعت انتقال فناوری و اطلاعات در عرصه جهانی را بیشتر کرده است. همه عوامل مذکور از یک سو موضوع توسعه را برجسته نمودند و از سوی دیگر فضایی برای افزایش منازعات خشونت‌آمیز در آفریقا، آسیا و بالکان فراهم کردند. فجایع انسانی‌ای که در این مناطق رخ دادند هم نشانگر اختلاف شدید در سطح توسعه اقتصادی شمال و جنوب بودند و هم مشکل تروریسم را به عنوان تهدیدی جهانی مطرح ساختند. در چنین شرایطی، مفاهیم سنتی توسعه ملی و بین‌المللی منطبق با نیازهای بشری نبودند. از این رو، نوعی انقلاب روشنفکری در میان پژوهشگران حوزه توسعه شروع گردید که هدف آن ارائه مفهومی متناسب با شرایط نوین جهان بود.

معیارهای مختلفی جهت اندازه‌گیری توسعه انسانی کشورها وجود دارد که مهمترین آن‌ها شاخص توسعه انسانی می‌باشد. این شاخص به صورت همزمان، ابعاد اقتصادی و اجتماعی توسعه را دربرمی‌گیرد.

به طور کلی، شاخص توسعه انسانی، از طریق سه متغیر طول عمر، دانش و استاندارد سطح زندگی به اندازه‌گیری توسعه می‌پردازد. این سه متغیر به نوبه خود عملیاتی می‌شوند و به صورت متغیرهایی نظیر امید به زندگی در زمان تولد، میزان سواد و تحصیلات و درآمد سرانه ناشی از تولید ناخالص ملی درمی‌آیند (Human Development Report, 1999: 127). هر سه متغیر فوق، وزن یکسانی در سنجش شاخص توسعه انسانی دارند. قدرت و اهمیت این شاخص، به سادگی آن و تضمین داده‌های معتبر و قابل اتکا می‌باشد که امکان مقایسه کشورهای گوناگون را با یکدیگر فراهم می‌سازد. مفهوم توسعه انسانی، مفهوم نوینی در ادبیات توسعه به شمار می‌رود، لکن در سال‌های اخیر کاربردهای فراوانی پیدا کرده است. به تناسب همین کاربردها، تعاریف و برداشتهای متنوعی از آن ارائه شده است.

۳-۲- پیدایش مفهوم توسعه انسانی

مفهوم توسعه انسانی، غالباً با «گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۴» که توسط «محبوب الحق» تدوین گردیده بود، عجین شده است. البته این مفهوم قبل از این تاریخ نیز از سوی برخی از پژوهشگران حوزه توسعه منتشر شده بود. لکن از این تاریخ به بعد، این مفهوم رواج بیشتری یافت. گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، همچنین پیش‌زمینه‌ای برای اجلاس شورای اقتصادی و اجتماعی در کپنهاگ گردید. در این اجلاس بحث‌های مفصلی راجع به صلح انجام شد که بر نگرانی‌های اصلی نوع بشر متمرکز بود. (Rothschild, 1995: 47-61)

با بهره‌گیری از یک نگرش سیستماتیک، این گزارش چهار ویژگی اصلی توسعه انسانی

را مورد شناسایی قرار داده است.

الف) توسعه انسانی، موضوعی جهانی است که همه مردم جهان اعم از فقیر و غنی را شامل می‌شود.

ب) اجزای امنیت انسانی به هم مرتبط‌اند.

ج) توسعه انسانی از طریق پیشگیری سریع بهتر تضمین می‌شود تا مداخله بعدی.

د) توسعه انسانی مردم محور است. این مفهوم به چگونگی زندگی مردم در جامعه با محدودیت‌ها و فرصت‌های آنان در شرایط صلح یا درگیری، ارتباط می‌یابد (Rothschild, 1995: 47-61).

گزارش توسعه انسانی، «برنامه توسعه ملل متحد» در سال ۱۹۹۹ که با محوریت جهانی شدن انتشار یافت. با تأثی از بحران اقتصادی شرق آسیا در سال ۱۹۹۸، خواستار اقدامات مشورتی جهت تأمین توسعه انسانی در مواقع بحران‌های اقتصادی گردید. این گزارش همچنین به ناامنی‌های جدید در عصر جهانی شدن همچون، جرایم جهانی، تخریب محیط‌زیست، ارتباطات نوینی که تنوع فرهنگی را در جهان تهدید می‌کنند، تأکید داشت. فقدان تنوع در فیلم‌ها و زبان‌های بکار رفته، همچنین ترغیب خشونت و اعمال منافعی عفت عمومی در برخی از رسانه‌ها از مصادیق تهدیدات ارتباطی جدید به شمار می‌روند. علاوه بر این، گزارش برنامه ملل متحد، خواستار تقویت نظام ملل متحد شد تا از انجام بشری جهت پاسخگویی به نیازهای توسعه انسانی برخوردار باشد (Rothschild, 1995: 47-61).

از مزایای اصلی گزارش برنامه ملل متحد در سال ۱۹۹۴ می‌توان به تأکید هم‌زمان آن بر آزادی از نیاز و ترس و همچنین احراز چهار ویژگی جهان‌شمولی، وابستگی متقابل، پیشگیری و مردم محوری برای مفهوم توسعه انسانی، نام برد. بر پایه چنین تعریفی بود که «کوفی عنان» دبیر کل سابق سازمان ملل متحد در گزارش خویش به سال ۲۰۰۰ میلادی، مفهوم توسعه انسانی را گسترش داد. وی مدعی شد که توسعه انسانی، مفاهیم حقوق بشر، حکمرانی خوب و آموزش و بهداشت را در بر می‌گیرد و همچنین ارتباط نزدیکی با توسعه اقتصادی محیط‌زیست پاک و حتی امنیت ملی دارد (United Nations, 2000: 5).

با این حال، گستردگی بیش از حد تعریف گزارش توسعه انسانی، موجب شده است که برخی از منتقدین آن را به آرمان‌گرایی محکوم کنند و توصیه‌های آن را ساده انگارانه بدانند. در واقع، گزارش مذکور با قرار دادن برخی از حوزه‌های دیگر حیات انسانی زیر چتر توسعه، به گستردگی بیش از حد آن، دامن زده است. افزون بر این، تمایز مطلوبی میان اهداف توسعه انسانی و امنیت انسانی قائل نمی‌شود. این دو مفهوم، علی‌رغم شباهت‌ها و اشتراکات زیاد، تفاوت‌های محسوسی با یکدیگر دارند.

۳-۳- ارتقای توسعه انسانی با حکومتی برای مردم و به دست مردم علاوه بر این که حکومت مردم‌سالار به طور ذاتی ارزشمند است، به سه دلیل می‌تواند پیشرفت توسعه انسانی را موجب گردد. نخست این که بهره‌مندی افراد از آزادی سیاسی و مشارکت در تصمیم‌گیری موثر در زندگی‌شان، از زمره حقوق اساسی انسانی است، زیرا که فی‌نفسه یکی از مولفه‌های توسعه انسانی به شمار می‌رود. در کشورهای امارات متحده عربی، بروئتی دارالسلام، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت حق آ‌ی برای زنان به رسمیت نشناخته نشده است. این مطلب گزینه‌های زنان را تا حد زیادی محدود می‌سازد. مردم‌سالاری تنها نظام سیاسی است که آزادی‌های سیاسی و مدنی و حق مشارکت را تضمین کرده و بر این اساس آن را ذاتاً واجد ارزش می‌سازد.

دوم، مردم‌سالاری از مردم در برابر فجایع اقتصادی و سیاسی، مانند قحطی و هرج و مرج حمایت می‌کند. «آمارتیا سن» برنده جایزه نوبل، نشان داده است که انتخابات و مطبوعات آزاد چگونه می‌توانند در نظام‌های مردم‌سالار انگیزه‌های سیاستمداران را برای اجتناب از وقوع قحطی‌ها تحکیم بخشند. نمونه آن کشور هند می‌باشد که از زمان استقلال خود در سال ۱۹۴۷ یک قربانی قحطی نداشته است. برای مثال، تولید غذا در ایالت «ماهاراشترای» آن کشور به شدت کاهش یافت اما سیاستمداران منتخب از طریق پروژه‌های عام‌المنفعه به مقابله با قحطی برخاستند و موفق شدند مردم را از عوارض آن مصون نگاه دارند. همچنین نظام‌های مردم‌سالار با ایجاد فضایی باز برای اقلیت‌های سیاسی مخالف و فراهم نمودن امکان انتقال قدرت به صورتی مسالمت‌آمیز، به ثبات سیاسی جوامع کمک می‌کنند.

سوم، حکومت مردم‌سالار می‌تواند دور مقبولی در ارتباط با امر توسعه ایجاد کند، چراکه آزادی سیاسی موجب می‌شود مردم خواهان اتخاذ و اجرای سیاست‌هایی باشند که موجب گسترش فرصت‌های اجتماعی و سیاسی است و همین‌طور بحث‌های آزاد به جوامع محلی امکان می‌دهد اولویت‌های خود را رأساً تعیین کنند. کشورهای همچون اندونزی، مکزیک و لهستان با ایجاد فضای سیاسی باز توانسته‌اند به وسیله گشودن راه‌های تازه برای مشارکت مردم در تصمیم‌ها و بحث‌های سیاسی از رهگذر مطبوعات آزاد و فعالیت بی‌قید و بند جامعه مدنی به پدیداری چنین دور مقبولی یاری رسانند (UNDP Report 2002).

۳-۴- ایجاد دور مقبول برای توسعه انسانی به وسیله ترویج سیاست مردم‌سالارانه طی دو دهه گذشته، راه‌های بسیاری برای مشارکت مردم در بحث‌ها و فعالیت‌های عمومی گشوده شده است. اگرچه تعداد اعضای احزاب سیاسی، اتحادیه‌های صنعتی رو به کاهش بوده، حمایت از سازمان‌های غیردولتی و سایر گروه‌های جدید جامعه مدنی به نحو زیادی گسترش یافته است. در سال ۱۹۱۴ تعداد سازمان‌های غیردولتی

بین‌المللی از ۱۸۰۳ سازمان فراتر نبود، تا سال ۲۰۰۰ تعداد این سازمان‌ها به بیش از ۳۷۰۰۰ رسید که حدود یک پنجم آن در دهه ۱۹۹۰ میلادی ایجاد شده بود. در حال حاضر بیش از ۷ میلیارد دلار کمک از طریق سازمان‌های غیردولتی در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می‌گیرد. این سازمان‌ها علاوه بر حمایت از طریق توسعه و درگیری در اجرای آن‌ها، نقش‌های مستقیم‌تری در فرآیندهای تصمیم‌گیری و نظارت محلی بر عهده می‌گیرند و به توسعه اشکال تازه‌ای از اداره امور بر مبنای مشارکت و همکاری می‌پردازند. مشارکت‌های داوطلبانه نیز در حال رونق گرفتن است. این‌گونه ترتیبات و نمونه‌های دیگری از این دست، عرصه عمل وسیعی را برای گسترش مشارکت عمومی در اداره امور و کمک به حصول نتایج عادلانه‌تر به روی مردم می‌گشاید. به طور کلی، جامعه مدنی در جهت تقویت نهادهای دموکراتیک و نه تضعیف آن عمل می‌کند.

رسانه‌های آزاد و مستقل، رکن مهم مردم‌سالاری هستند. در سراسر جهان، محدودیت‌های اعمال شده بر آزادی‌های مدنی اساسی مانند حق آزادی بیان، حق شرکت در اجتماعات و حق دسترسی آزادانه به اطلاعات، همچنان پابرجاست. با این حال، در بسیاری از کشورها، آزادی در زمینه مطبوعات و فن‌آوری اطلاعات، رسانه‌ها را قادر ساخته است تا از طریق افشاگری در خصوص فساد و سوء استفاده، سهم فزونی را در ارتباط با تعمیق سیاست مردم‌سالارانه ادا کنند. برای مثال، تلاش‌های فرستنده‌های رادیویی خصوصی متعدد در کشور غنا به شفافیت انتخابات آن کشور در سال ۲۰۰۰ کمک نمود. این فرستنده‌ها دخل و تصرف در آرای مردم را دشوار ساختند.

در مقایسه با ده سال پیش، اغلب شهروندان عادی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه به منابع اطلاعاتی بیشتری دسترسی دارند. به علاوه، بخش کمتری از اطلاعات از سوی دولت کنترل می‌شود. اما رسانه‌ها برای آنکه بتوانند مستقل باشند، نه تنها باید خود را از قیدوبندهای دولتی برهانند، بلکه بایستی از اعمال نفوذ شرکت‌ها و فشارهای سیاسی نیز احتراز جویند. اگرچه اصطلاحات بازار و یکپارچه‌سازی اقتصادی از دامنه مالکیت دولتی بر رسانه‌های جمعی کاسته است، اما در مواردی موجب تمرکز آن‌ها در مالکیت خصوصی شده است.

رسانه‌ها باید علاوه بر پاسخگو بودن، آزاد نیز باشند. روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها فقط زمانی آزادند که در درجه نخست در خدمت عامه مردم باشند و خدمت به دولت یا صاحبان سهام خصوصی را در درجه دوم اهمیت قرار دهند. برای ترویج و پیشبرد این اهداف می‌توان بدون کنترل دولت سازوکارهایی همچون نظارت بر خود از طریق ارگان‌های مسوول، اعمال ضوابط اخلاق حرفه‌ای و استفاده از مأموران رسیدگی به شکایات و همین‌طور برنامه‌های کارآموزی برای روزنامه‌نگاران و ارتقای سطح آگاهی آنان را به کار گرفت (UNDP Report 2002).

۳-۵- تأمین دموکراسی با جلوگیری از کشمکش و ایجاد صلح در طول نیمه دوم قرن بیستم، ۶۶ دولت منتخب با استفاده از زور سرنگون شده‌اند و جای خود را به حکومت‌های اقتدارگرا داده‌اند. از سال ۱۹۸۹ تاکنون ارتش‌های ملی به طور مستقیم در امور سیاسی ۱۳ کشور منطقه جنوب صحرای آفریقا، یا حدود یک کشور از هر چهار کشور منطقه، مداخله نموده‌اند. در بعضی از کشورها همچون نیجریه در سال ۱۹۹۳ و میانمار در سال ۱۹۹۰، رهبران نظامی به نام ضرورت حفظ صلح و امنیت داخلی، کنترل اوضاع را از دست دولت‌های منتخب گرفته‌اند (یا از واگذاری قدرت به دولت‌های منتخب طفره رفته‌اند). در برخی دیگر، همانند زیمبابوه در سال‌های (۲۰۰۲-۲۰۰۰) دولت‌های منتخب با استفاده از بخش امنیتی، مردم‌سالاری و امنیت شخصی را تضعیف کرده‌اند.

فقرا نخستین گروهی هستند که از فروپاشی نظم در یک کشور زیان می‌بینند. در طول قرن بیستم، دولت‌ها حدود ۱۷۰ میلیون نفر را کشتند که از شمار قربانیان جنگ‌های بین کشورها به مراتب بیشتر است. در جوامع جنگ‌زده، بازپس‌گیری کنترل از دست گروه‌های مسلح شرطی اساسی برای پیشرفت است. در غیر این صورت، تلاش‌ها در جهت صلح، به ویژه اقدامات معطوف به تقسیم قدرت و گسترش نمایندگی سیاسی، با خطر ناکامی و بازگشت به وضعیت پیشین مواجه خواهند شد. نبود کنترل بر گروه‌های مسلح می‌تواند بی‌قانونی مهارناپذیری را موجب شود و شرایط مناسبی برای رشد افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را فراهم کند. حتی در این اوضاع نیز می‌توان راه‌حل‌هایی را به کار بست، اما این کار مستلزم حضور رهبرانی است که به فرآیندهای فراگیر و منصفانه و سرمایه‌گذاری برای صلحی پایدار متعهد باشند.

طی دهه گذشته میلادی، تقریباً ۶۰ کشور جهان به عنوان کشورهایی که با منازعات گوناگون دست به گریبانند و یا به تازگی از کمند منازعات رهایی یافته‌اند، مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. بسیاری از آن‌ها متأثر از جنگ‌های بین‌دولتی و یا داخلی بوده‌اند. این منازعات، اغلب به کشورها و مناطق مجاور نیز تسری یافته و موجبات آسیب‌پذیری متقابل و ناامنی عمومی را فراهم ساخته است. اکثریت قریب به اتفاق این کشورها، جزء فقیرترین کشورهای جهان به شمار می‌روند که به لحاظ «شاخص‌های توسعه انسانی» در وضعیت مطلوبی قرار ندارند (www.un.org).

ترکیب شرایط نامساعد سیاسی با محرومیت اقتصادی-اجتماعی و منازعات مسلحانه، تقریباً تمام ابعاد توسعه انسانی را مورد تهدید قرار داده است به گونه‌ای که بقاء و شأن مردم با خطر جدی مواجه می‌باشد. با این حال، کمک به کشورهای در حال توسعه، فرصت مناسبی را جهت اعمال تغییرات اساسی در نظام بین‌الملل، نظیر کاهش نابرابری‌های اقتصادی، تقویت شبکه‌های اجتماعی و بهبود روابط دولت-جامعه به

وجود آورده است. از سوی دیگر، عنایت به ریشه‌های بنیادین منازعات و کمک به کشورها جهت ارتقاء شاخص‌های توسعه انسانی، از اهداف مورد نظر سازمان ملل متحد محسوب می‌شود. در واقع کمک به کشورهایی که در ابتدای مسیر دموکراسی قرار دارند، یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی جامعه جهانی است. زیرا تداوم و تثبیت چنین جوامعی نه تنها از تلفات و هزینه‌های آتی می‌کاهد، بلکه به استقرار صلح و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی یاری می‌رساند.

به طور کلی، توسعه انسانی بخشی از نیازهای توسعه‌ای را که مورد غفلت رویکردهای پیشین توسعه، همچون نوسازی قرار گرفته بودند، مورد شناسایی قرار داده و در جهت رفع آن‌ها تلاش می‌کند. برخی از این نیازها مسبوق به سابقه‌اند، لکن برخی دیگر ما حاصل تحولات جدید جهانی هستند. توسعه انسانی به علت برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر مردم‌محوری، جامعیت، انعطاف‌پذیری و بازدارندگی، از مطلوبیت زیادی در مقایسه با رویکردهای پیشین توسعه برخوردار می‌باشد. از طرف دیگر، خصوصیات و شرایط خاص کشورهای درحال توسعه، همچون چالش‌های امنیتی، کمبود منابع و از همه مهمتر چالش حکمرانی و عدم نهادینگی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی موجب می‌شوند که کاربست مفهوم توسعه انسانی، مزیت زیادی در این گونه از کشورها داشته باشد. درواقع، رویکرد توسعه انسانی، دارای مزیت‌های زیادی است. اول نقش مستقیمی در رفاه مردم دارد. دوم برپایه فرصت‌های برابر برای افراد جامعه بنا شده است. سوم به توزیع متساوی تر دستاوردهای توسعه کمک می‌کند. چهارم، ارتباطی بین انواع مختلف سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی ایجاد می‌کند، به طوری که می‌توان از ظرفیت کامل این نیرو استفاده کرد، و پنجم، بهره‌گیری از مزایای برنامه‌های مکمل سرمایه‌مادی و انسانی را میسر می‌کند (گریفین و مک کنلی، ۱۳۷۷: ۲۲). از این رو، پژوهش حاضر در تبیین رابطه میان توسعه و دموکراسی در کشورهای درحال توسعه، بر رویکرد توسعه انسانی استوار است.

۴- روش پژوهش

در این پژوهش همزمان از روش‌های کیفی و کمی با داده‌های ثانویه، استفاده شده است. در بخش کیفی سعی شده است تا توصیف و تبیین دقیقی از متغیرهای اصلی پژوهش ارائه شود. لذا در ادامه، مفاهیم دموکراسی و توسعه انسانی و روابط متقابل میان این دو مورد بررسی قرار گرفت. در رابطه با توسعه انسانی نیز به شاخص‌های توسعه انسانی پرداخته شده است.

در بخش کمی از داده‌های ثانویه بهره گرفته شده است. در این راستا، ابتدا میانگین آمار و اطلاعات مربوط به شاخص‌های توسعه انسانی (بهداشت، درآمد ملی و امید به زندگی) و دموکراسی (فرایند انتخابات، کارکرد حکومت، مشارکت سیاسی، فرهنگ

سیاسی، آزادی‌های مدنی) برای ۵۷ کشور در حال توسعه و در دروه زمانی ۱۰ ساله، استخراج گردیدند. سپس برای به دست آوردن رابطه میان شاخص‌های توسعه انسانی و شاخص‌های دموکراسی از آزمون چند متغیره همبستگی کانونی استفاده شده است. لذا از آزمون لامبدای ویلکس که یکی از آزمون‌های سطح معنی‌داری در روش همبستگی کانونی به شمار می‌رود، بهره گرفته شده است. نتایج حاصل از به کارگیری روش همبستگی کانونی نشانی می‌دهد که بین دو مجموعه از متغیرهای شاخص‌های مزبور، ۴۸٪ رابطه وجود دارد. مقدار واریانس تبیین شده را می‌توان از طریق مجذور کردن مقدار همبستگی به دست آورد. بنابراین، مقدار واریانس تبیین شده توسط شاخص توسعه انسانی (۴۸٪ ضربدر ۴۸٪) مساوی است با ۲۳٪. یعنی ۲۳ درصد از تغییرات مجموعه متغیرهای شاخص دموکراسی (فرآیند انتخابات، کارکرد حکومت، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، آزادی‌های مدنی) توسط مجموعه متغیرهای شاخص توسعه انسانی (بهداشت، درآمد سرانه و امید به زندگی) تبیین شده است. در جدول (جدول ۵-۴) ضرایب همبستگی کانونی استاندارد شده، اهمیت نسبی هر یک از متغیرهای اصلی را در محاسبه مقدار کانونی هر یک از متغیرهای کانونی نشان می‌دهد. ضریب کانونی که به آن وزن کانونی می‌گویند مانند مقادیر بتا در تحلیل رگرسیون است. بنابراین، از بین مجموعه متغیرهای شاخص توسعه انسانی بیشترین سهم را متغیر بهداشت و سلامت در ایجاد اولین همبستگی کانونی داشته است.

۵- مدل پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

۵-۱-۱- شاخص توسعه انسانی (بهداشت، درآمد و امید به زندگی)
بر اساس اطلاعات بدست آمده در جدول (۴-۱) میانگین ابعاد شاخص توسعه انسانی در بین ۵۷ کشور منتخب برای یک بازه ۱۰ ساله (۲۰۰۱-۲۰۱۱) به شرح زیر است:

یک بازه ۱۰ ساله (۲۰۰۱-۲۰۱۱)

۵-۱-۲- شاخص دموکراسی (فرایند انتخابات، کارکرد حکومت، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، آزادیهای مدنی)
میانگین ابعاد شاخص دموکراسی در بین ۵۷ کشور برای یک بازه ۱۰ ساله (۲۰۱۱-۲۰۰۱).

بر اساس اطلاعات بدست آمده در جدول (۲-۴) میانگین ابعاد شاخص دموکراسی برای ۵۷ کشور بررسی شده در تحقیق مزبور به شرح زیر بوده است:
جدول ۴-۲: میانگین ابعاد شاخص دموکراسی ۵۷ کشور در حال توسعه برای یک بازه ۱۰ ساله (۲۰۱۱-۲۰۰۱)

ابعاد شاخص توسعه انسانی	فرایند انتخابات	کارکرد حکومت	مشارکت سیاسی	فرهنگ سیاسی	آزادهای مدنی
ترکیه	۷,۹۲	۷,۱۴	۱,۰	۳,۸۹	۵,۰
تونس	۵,۳۳	۵,۰	۲,۰	۶,۶۷	۶,۲۵
لبنان	۶,۶۷	۲,۱۴	۳,۰	۷,۲۲	۵,۰
فلسطین	۶,۰	۲,۸۶	۴,۰	۷,۷۸	۴,۳۸
عراق	۴,۳۳	۰,۴۳	۵,۰	۷,۲۲	۳,۷۵
مصر	۲,۰۸	۳,۲۱	۶,۰	۵,۰	۵,۶۳
اردن	۳,۱۷	۴,۲۹	۷,۰	۴,۴۴	۳,۷۵
مراکش	۳,۵	۴,۶۴	۸,۰	۲,۲۲	۴,۳۸
کویت	۳,۱۷	۴,۲۹	۹,۰	۳,۳۳	۴,۳۸
لیبی	۰,۰	۲,۸۶	۱۰,۰	۳,۳۳	۶,۲۵
الجزایر	۲,۱۷	۲,۲۱	۱۱,۰	۲,۷۸	۵,۶۳

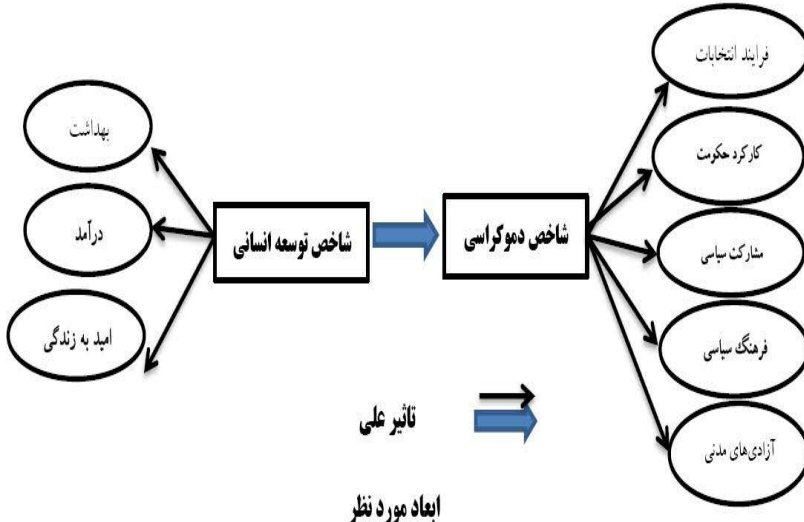
ابعاد شاخص توسعه انسانی	فرآیند انتخابات	کارکرد حکومت	مشارکت سیاسی	فرهنگ سیاسی	آزادی های مدنی
عمان	۰,۰	۳,۹۳	۱۲,۰	۳,۸۹	۴,۳۸
قطر	۰,۰	۳,۹۳	۱۳,۰	۲,۲۲	۵,۶۳
بحرین	۱,۷۵	۲,۵	۱۴,۰	۳,۳۳	۴,۳۸
امارات	۰,۰	۳,۵۷	۱۵,۰	۱,۱۱	۵,۰
یمن	۲,۱۷	۰,۳۶	۱۶,۰	۴,۴۴	۵,۰
سوریه	۰,۰	۱,۷۹	۱۷,۰	۲,۲۲	۵,۶۳
ایران	۰,۰	۲,۸۶	۱۸,۰	۲,۷۸	۲,۵
عربستان سعودی	۰,۰	۲,۸۶	۱۹,۰	۱,۱۱	۳,۱۳
اوکراین	۸,۳۳	۴,۶۴	۵	۴,۳۸	۳۵,۷
هندکنگ	۳,۵۰	۵,۳۶	۴,۴۴	۶,۸۸	۹,۴۱
سنگاپور	۴,۳۳	۷,۵۰	۲,۷۸	۷,۵۰	۷,۳۵
بنگلادش	۷,۴۲	۵,۴۳	۵	۴,۳۸	۷,۰۶
بولیوی	۷	۵	۶,۱۱	۳,۷۵	۷,۳۵
هندوراس	۸,۷۵	۵,۷۱	۳,۸۹	۴,۳۸	۶,۴۷
آلبانی	۷	۴,۷۱	۵	۵	۷,۳۵
اکوادور	۷,۸۳	۴,۶۴	۵	۳,۷۵	۷,۳۵
سنگال	۷	۴,۲۹	۴,۴۴	۵,۶۳	۷,۳۵
بوسنی هرزه گوین	۶,۹۲	۳,۲۹	۳,۳۳	۵	۷,۶۵
ونزوئلا	۵,۶۷	۳,۹۳	۵,۵۶	۴,۳۸	۵,۸۸
گرجستان	۶,۵۸	۲,۱۴	۴,۴۴	۴,۳۸	۶,۱۸
پاکستان	۵,۱۷	۵,۷۱	۲,۲۲	۴,۳۸	۵,۲۹
سیرالئون	۷	۱,۸۶	۲,۷۸	۵,۶۳	۵,۲۹
قرقیزستان	۵,۷۵	۱,۸۶	۴,۴۴	۴,۳۸	۵,۲۹
نپال	۱,۸۳	۴,۲۹	۳,۸۹	۵,۶۳	۵,۵۹
نیجریه	۷,۵	۱,۱۴	۲,۷۸	۴,۳۸	۵
بروندی	۳,۴۲	۳,۲۹	۳,۸۹	۵,۶۳	۳,۸۲
ماداگاسکار	۲,۱۷	۲,۱۴	۵	۵,۶۳	۴,۷۱

ابعاد شاخص توسعه انسانی	فرآیند انتخابات	کارکرد حکومت	مشارکت سیاسی	فرهنگ سیاسی	آزادی های مدنی
پرو	۳,۵۰	۴,۶۴	۴,۴۴	۳,۷۵	۳,۸۲
پاراگوئه	۲,۱۷	۲,۲۱	۲,۷۸	۵,۶۳	۴,۴۱
کامرون	۱,۱۷	۴,۲۹	۲,۷۸	۵	۳,۸۲
قزاقستان	۱,۳۳	۲,۱۴	۳,۳۳	۴,۳۸	۲,۹۴
پاناما	۰	۳,۹۳	۲,۲۲	۵,۶۳	۴,۱۲
بلاروس	۱,۷۵	۲,۸۶	۳,۸۹	۴,۳۸	۵
اذربایجان	۲,۱۷	۱,۷۹	۳,۳۳	۳,۷۵	۴,۷۱
ویتنام	۰	۴,۲۹	۲,۷۸	۶,۲۵	۱,۴۷
ازبکستان	۰,۰۸	۰,۷۹	۲,۲۲	۵	۰,۵۹
ترکمنستان	۰	۰,۷۹	۲,۲۲	۵	۰,۵۹
آفریقای مرکزی	۱,۷۵	۱,۰۷	۱,۱۱	۳,۱۳	۱,۷۶
لائوس	۰	۳,۲۱	۱,۱۱	۵	۱,۷۶
سودان	۰	۱,۷۹	۳,۳۳	۵	۱,۷۶
تاجیکستان	۱,۸۳	۰,۷۹	۲,۷۸	۲,۵	۳,۸۲
فیلیپین	۲,۱۷	۳,۶	۴,۴۴	۵	۳,۲۴
رومانی	۳,۷۵	۴,۵۰	۶,۳۳	۶,۳۸	۸,۶۵
روندا	۰,۸۳	۴,۶۴	۱,۶۷	۵	۴,۱۲
عمان	۰	۳,۹۳	۳,۸۹	۴,۳۸	۵
کوبا	۱,۷۵	۴,۶۴	۳,۸۹	۴,۳۸	۲,۹۴

۵-۲- آمار استنباطی

۵-۲-۱- آزمون رابطه بین ابعاد شاخص توسعه انسانی با ابعاد شاخص دموکراسی برای به دست آوردن رابطه بین شاخص توسعه انسانی (بهداشت، درآمد سرانه و امید به زندگی) با شاخص دموکراسی (فرآیند انتخابات، کارکرد حکومت، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، آزادی های مدنی) از آزمون چند متغیره همبستگی کانونی استفاده شده است. منطق حاکم بر روش همبستگی کانونی، به دست آوردن ترکیب خطی بین متغیرهای هر یک از مجموعه ها (شاخص توسعه انسانی و شاخص دموکراسی)

می‌باشد. به طوری که ترکیب خطی بین متغیرهای این مجموعه ها مورد آزمون قرار می‌گیرد. (نمودار ۴-۱)
 نمودار ۴-۱: رابطه بین شاخص توسعه انسانی (بهداشت، درآمد سرانه و امید به زندگی) با شاخص دموکراسی (فرآیند انتخابات، کارکرد حکومت، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، آزادی های



این روش، با محاسبه یک همبستگی کانونی بین مجموعه‌ای از متغیرها به اتمام نمی‌رسد، بلکه ممکن است چندین جفت ترکیب خطی بین متغیرهای مزبور به دست آید. تعداد متغیر کانونی به دست آمده بر اساس تعداد متغیرهای مجموعه کوچک مورد نظر تعیین می‌شود و این مجموعه ممکن است مستقل یا وابسته باشد. نحوه استنتاج متغیرهای فرایند تحلیل کانونی، شبیه فرآیند تحلیل عاملی چرخش نیافته است. به طوری که در تحلیل عاملی، اولین عامل استخراج یافته، بیشترین واریانس موجود در بین مجموعه داده‌ها را تبیین می‌کند. سپس دومین عامل و الی آخر. تحلیل همبستگی کانونی نیز فرآیند مشابهی را طی می‌کند اما حداکثر رابطه و همبستگی بین دو مجموعه از متغیرها را مدنظر دارد. و نه روابط درون تنها یک مجموعه از متغیرها را. به طور خلاصه، جفت های متوالی متغیرهای کانونی بر اساس واریانس باقی مانده از متغیرهای قبلی استنتاج می‌گردد و به همین دلیل همبستگی کانونی به دست آمده به طور متوالی کوچک می‌شود.

بر اساس اطلاعات جدول شمار (3-4) آزمونهای سطح معنی داری مختلف نشان داده شده است. این آزمون ها عبارتند از: پیلایی، هوتلینگ، ویلکس و روی. متداولترین آماره برای آزمون سطح معنی داری، لامبدای ویلکس می‌باشد که سطح معنی داری

۱۶۲ فصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی، سال سوم، آ شماره هشتم از ۵
 اولین همبستگی کانونی را نشان می‌دهد. اگر مقدار پی به دست آمده کوچکتر از ۵

صدم باشد. می‌توان قضاوت کرد که دو مجموعه از متغیرها به طور معنی داری به وسیله همبستگی کانونی پیوند داشته اند. در جدول شماره ۰۰۰۰ نیز مشخص است که سطح معنی داری ($\text{sig} = 0.000$) با احتمال ۹۹ درصد وجود همبستگی کانونی بین دو مجموعه متغیر تأیید می‌شود.

در جدول (جدول) آماره مقدار ویژه نشان می‌دهد که چه سهمی از واریانس به وسیله هر یک از همبستگی‌های کانونی مربوط به دو مجموعه متغیر تبیین می‌شود. در بررسی رابطه بین شاخص توسعه انسانی و شاخص دموکراسی، اولین همبستگی کانونی نشانی می‌دهد که بین دو مجموعه از متغیرهای شاخص‌های مزبور، ۴۸/۸۰ رابطه وجود دارد. مقدار واریانس تبیین شده را می‌توان از طریق مجذور کردن مقدار همبستگی به دست آورد. بنابراین، مقدار واریانس تبیین شده توسط شاخص توسعه انسانی (۴۸/۸۰ ضربدر ۴۸/۸۰) مساوی است با ۲۳/۲۳. یعنی ۲۳ درصد از تغییرات مجموعه متغیرهای شاخص دموکراسی (فرآیند انتخابات، کارکرد حکومت، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، آزادی‌های مدنی) توسط مجموعه متغیرهای شاخص توسعه انسانی (بهداشت، درآمد سرانه و امید به زندگی) تبیین شده است. در جدول (جدول ۵-۴) ضرایب همبستگی کانونی استاندارد شده، اهمیت نسبی هر یک از متغیرهای اصلی را در محاسبه مقدار کانونی هر یک از متغیرهای کانونی نشان می‌دهد. ضریب کانونی که به آن وزن کانونی می‌گویند مانند مقادیر بتا در تحلیل رگرسیون است. بنابراین، از بین مجموعه متغیرهای شاخص توسعه انسانی بیشترین سهم را متغیر بهداشت و سلامت در ایجاد اولین همبستگی کانونی داشته است.

جدول ۴-۳: آماره‌های توصیفی آزمون چندمتغیره

آماره آزمون	مقدار	مقدار تقریبی	درجات آزادی فرضیه	اشتباه درجات آزادی	معنی داری
پیلایی	۱/۷۲	۴/۳۸	۵	۱۱	۰/۰۰۰
هتلینگ	۹/۸۷	۱۶/۹۸	۵	۱۱	۰/۰۰۰
لامبدای ویلکس	۰/۷۱	۹/۱۴	۵	۱۱	۰/۰۰۰
روی	۰/۹۰	۸/۱۱	۵	۱۱	۰/۰۰۰

جدول ۴-۴: آماره‌های توصیفی ویژه مقدار و همبستگی‌های کانونی

ویژه مقدار	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی	همبستگی کانونی	مجذور همبستگی ساختار
۹/۱۱	۴۸/۴	۴۸/۴	۰/۴۸۹	۰/۲۳
۰/۴۰	۲/۸۱	۵۱/۲	۰/۲۷	۰/۲۴
۰/۰۵	۰/۳	۵۱/۵	۰/۰۵	۲۴/۸۹

جدول ۴-۵: آماره های توصیفی ضرایب استاندارد شده کانونی برای متغیرهای وابسته

متغیرهای مستقل	۱	۲	۳
بهداشت	۰/۸۱	۰/۵۴	۰/۴۲
درآمد سرانه	۰/۷۵	۰/۰۴	۰/۴۵
امید به زندگی	۰/۶۵	۰/۳۹	۰/۰۶

جدول ۶-۴: آماره های توصیفی ضرایب کانونی تابع هم تغییری

متغیرها	۱	۲	۳
فرایند انتخابات	۰/۱۰	۰/۰۶۵	۰/۲۳
کارکرد حکومت	۰/۱۶	۰/۱۳	۰/۴۲
مشارکت سیاسی	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۴۹
فرهنگ سیاسی	۰/۰۹۸	۰/۴۵	۰/۰۷
آزادیهای مدنی	۰/۱۴	۰/۲۱	۰/۱۸

۵-۲-۲- تحلیل همبستگی کانونی

در این روش مجموعه‌ای از متغیرها به طور همزمان جهت تبیین تغییرات روابط بین پارامترهای هر یک از مجموعه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. همبستگی کانونی بیشتر از یک جفت حاصل از ترکیب متغیرها را در مطالعه ارائه می‌کند تا هر کدام از جفت‌ها در ارتباط با همدیگر مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس هر نوع از رابطه موجود از طریق تعیین نسبی هر یک از متغیرها در تابع کانونی استخراج و ارتباط بین مجموعه متغیرها تعیین می‌شود. ایده اصلی تکنیک همبستگی کانونی، پدید آوردن یک مجموعه از متغیرهای جدید از طریق دو گروه از داده‌های اصلی است که بر اساس آن متغیرهای جدید شکل گرفته، دارای ترکیب خطی و با همبستگی خیلی بالا ظاهر می‌شوند چنانچه دو مجموعه داده‌های اصلی تحقیق با عناوین Z, Y مشخص شوند، متغیرهای جدید ایجاد شده در ماتریس با عناوین U, V ظاهر می‌شوند که دارای همبستگی بالایی با همان شاخص هستند. یعنی هدف همبستگی کانونی این است که با ایجاد X یک بردار m بعدی از متغیرهای مستقل و Y به عنوان یک بردار P بعدی از متغیرهای وابسته، دستیابی به یک ترکیب خطی از متغیرهای از متغیرهای مستقل است که دارای حد اکثر همبستگی با یک ترکیب خطی از متغیرهای وابسته می‌باشد.

$$a_1x_1 + a_2x_2 + \dots + a_mx_m = ax = X = V_1$$

$$b_1y_1 + b_2y_2 + \dots + b_py_p = by = Y = U_1$$

این معادلات به نحوی انتخاب می‌شوند که به ترتیب همبستگی بین V_1 ، U_1 در حداکثر باشند و سپس همبستگی بین V_2 و U_2 و بقیه جفت‌ها به ترتیب کمتر می‌شود؛ از طرف دیگر U_2 با V_1 و U_1 و V_2 همبستگی نداشته باشد. هر یک از جفت‌های متغیرهای کانونی $(V_1$ و $U_1)$ و $(V_2$ و $U_2)$ و بعد مستقلی از رابطه بین دو مجموعه از متغیرهای X و Y را نشان می‌دهند.

اولین همبستگی کانونی ($p=0/000$ $x_2=123/45$) از نظر آماری معنی‌دار بوده و بیانگر وجود دو مجموعه متغیر به هم وابسته است. نتایج همبستگی کانونی در جدول ۱ نشان از معنی‌داری دو تابع استخراج شده در سطح ۵ درصد دارد. آماره مقدار ویژه نشان می‌دهد که چه سهمی از واریانس، توسط هر یک از همبستگی‌های کانونی مربوط به مربوط به دو مجموعه از متغیر تبیین می‌شود. هر متغیر کانونی دارای یک مقدار ویژه بوده و معمولاً اولین همبستگی کانونی مهم‌تر از دیگر همبستگی‌ها است. اولین همبستگی کانونی با مقدار $4/27$ توانسته است ۷۴ درصد از واریانس مولفه‌های دموکراسی را تبیین کند که با مجذور کردن مقدار همبستگی کانونی، مقدار واریانس تبیین شده به دست می‌آید. ضرایب همبستگی کانونی بین مجموعه متغیرهای اصلی تحقیق (فرایند انتخابات، کارکرد دولت، مشارکت در انتخابات، فرهنگ سیاسی و آزادیهای مدنی) و مولفه‌های توسعه انسانی (سلامت، درآمد و امید به زندگی) ۵۴ درصد در سطح معنی‌داری $0000/0$ ارزیابی شده است در حالیکه برای تابع کانونی دوم و سوم روابط بین مجموعه متغیرها معنی‌دار نبوده است. بر اساس نسبت تجمعی به دست آمده برای اولین تابع کانونی متغیرهای کانونی متغیرهای اصلی تحقیق قادر هستند حدود $54/59$ درصد از تغییرات مولفه‌های توسعه انسانی را پیش‌بینی کنند. متداولترین معیار برای آزمون سطح معنی‌داری اولین همبستگی کانونی معیار لانداوی ویلکس است که با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده ($000/0$) معلوم می‌شود دو مجموعه از متغیرها با همدیگر پیوند داشته‌اند.

جدول ۱. آزمون همبستگی کانونی بین متغیرهای اصلی (مولفه‌های دموکراسی) و مولفه‌های توسعه انسانی

تابع کانونی	مقدار ویژه	ضریب کانونی	ضریب تبیین کانونی	نسبت تجمعی	نسبت X	سطح معنی داری	لانداى ويلكز
۱	۴/۲۷	۰/۷۴	۰/۵۴	۵۴/۵۹	۱۲۳/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۱۷
۲	۰/۰۳۲	۰/۱۶	۰/۰۲	۰/۹۶	۲۱/۹۴	۰/۰۹۱۱	۰/۹۵
۳	۰/۰۱۰۹	۰/۱۰	۰/۰۱۴۸	۱	۱۶/۱۶	۰/۳۲	۰/۹۷

بر اساس ضرایب کانونی استاندارد شده (وزن های کانونی) برای اولین جفت از متغیرها (تابع اول یا u_1 و v_1) که در جدول ۲ آمده است.

بزرگی هر کدام از ضرایب کانونی بیانگر اهمیت آن متغیر در تبیین تغییرات می‌باشد. چنانچه عوامل (فرایند انتخابات، کارکرد دولت، مشارکت در انتخابات، فرهنگ سیاسی و آزادی‌های مدنی) که با بالا رفتن این پارامترها به عنوان عوامل موثر بر توسعه انسانی یعنی سلامتی، امید به زندگی و بهداشت نیز افزایش پیدا می‌کند.

$U_1 = 0/30 + \text{فرایند انتخابات} 0/36 + \text{کارکرد دولت} 0/46 + \text{مشارکت در انتخابات} 0/76 +$

آزادیهای مدنی 0/86 فرهنگ سیاسی

$V_1 = \text{امید به زندگی} 0/32 + \text{بهداشت} 0/45 + \text{درآمد} 0/70$

با مطالعه جفت اول معادله کانونی (u_1 و v_1) و با توجه به همبستگی بالای آنها مشاهده می‌شود که در معادله v_1 مقدار عددی ضریب عوامل ... در معادله u_1 قدر مطلق ضرایب بهداشت و سلامت بالاتر و امید به زندگی پایین تر است. این امر نشان می‌دهد که برای افزایش امید به زندگی باید دموکراسی و عوامل آن فرایند بدون انقطاعی داشته باشند. دومین جفت معادله کانونی (v_2 و u_2) و سومین جفت معادله کانونی (v_3 و u_3) به علت پایین بودن ضریب تبیین ($03/0$ و $02/0$) مندرج در جدول ۵ قابلیت تفسیر را ندارد. مطابق جدول (۳)؛ عوامل فرهنگ سیاسی، آزادی‌های مدنی نسبت به عوامل دیگر از عوامل دموکراسی (کارکرد دولت، فرایند انتخابات و مشارکت در انتخابات) سهم بالایی در شکل‌گیری u_1 دارد، همچنین درآمد نسبت به عوامل سلامت، بهداشت و امید به زندگی سهم بیشتری در تشکیل متغیر کانونی v_1 داشته است.

جدول ۲. ضرایب استاندارد کانونی بارهای متغیرهای مولفه‌های دموکراسی و مولفه‌های توسعه انسانی بر روی توابع کانونی

مجموعه متغیرهای وابسته				مجموعه متغیرهای مستقل					
امید به زندگی	سلامت	درآمد		کارکرد دولت	فرایند انتخابات	مشارکت در انتخابات	آزادی‌های مدنی	فرهنگ سیاسی	
۰/۲۲	۰/۷۲	۰/۸۴	V ₁	۰/۶۳	۰/۷۰	۰/۷۵	۰/۹۵	۰/۹۷	U ₁
۰/۲۹	۰/۶۷	۰/۷۴	V ₂	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۲۰	۰/۰۰۵	۰/۰۹	U ₂
۰/۹۳	۰/۱۶	۰/۰۲۱	V ₃	۰/۶۳	۰/۱۰	۰/۶۳	۰/۳۲	-/۱۳	U ₃

مطابق با بارهای کانونی مندرج در جدول (۲)، عوامل فرهنگ سیاسی و آزادی‌های مدنی و درآمد سهم بیشتری در توزیع متغیرهای کانونی U_1, V_1 داشته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند جهت افزایش مولفه‌های توسعه انسانی اهمیت وافر باید به مولفه‌های فرهنگ سیاسی و آزادی‌های مدنی داد.

نتیجه‌گیری

توسعه انسانی به معنی افزایش گزینه‌های انتخاب مردم است. در واقع، توسعه انسانی به مردم امکان بهره‌مندی از زندگی سالم و طولانی را می‌دهد که از دانش لازم جهت دسترسی به منابع ضروری یک زندگی شرافتمندانه برخوردار می‌باشد. علاوه بر این، توسعه انسانی مردم را در بهبود کیفیت زندگی‌شان توانمند می‌سازد. هرچند که هر سه شاخص توسعه انسانی (نرخ درآمد سرانه، بهداشت، امید به زندگی) از یکدیگر مجزا هستند، لکن در ارتقای سطح زندگی انسان‌ها نقش زیادی بر عهده دارند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های دموکراسی (فرایند انتخابات، کارکرد حکومت، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، آزادی‌های مدنی) به ارتقای توسعه انسانی کمک می‌کنند و در نقطه مقابل، هر سه شاخص توسعه انسانی (نرخ درآمد سرانه، بهداشت، امید به زندگی) تحت حکمرانی دموکراتیک وضعیت مطلوب تری می‌یابند. هرچند که دموکراسی‌ها کمک زیادی به رشد اقتصادی کلی یک کشور نمی‌کنند، اما دموکراسی معمولاً تأثیر مثبتی بر درآمد سرانه کشورها می‌گذارد که یکی از شاخص

های اصلی توسعه انسانی است. در طرف دیگر باید گفت که دموکراسی به عنوان شکل حکومتداری، محصول و نتیجه مستقیم رشد اقتصادی نیست، اما دموکراسی در کشورهای ثروتمند شانس زیادی برای بقاء دارد.

نهادهای سیاسی دموکراتیک، همچنین تأثیر مثبتی بر آموزش و بهداشت دارند. زیرا امکانات لازم جهت دسترسی به تحصیلات برابر و نیازهای بهداشتی را برای جمع کثیری از مردم فراهم می‌آورند. دموکراسی را با هر شاخص و معیاری که بخواهیم بسنجیم به توسعه انسانی کشورهای در حال توسعه کمک می‌نماید. از آنجا که نهادهای سیاسی دموکراتیک، ساختارهایی از پاسخگویی به وجود می‌آورند، در بهبود توسعه انسانی موثر هستند. متقاعد کننده‌ترین تبیین موجود در رابطه با اهمیت دموکراسی در توسعه انسانی کشورها، همین مسئله پاسخگویی و توانایی شهروندان جهت اعمال فشار بر سیاستمداران از طریق نظام انتخابات رقابتی است. در واقع، سیستم‌های انتخاباتی انگیزه لازم را در سیاستمداران برای گسترش کالاهای عمومی نظیر آموزش، بهداشت و استانداردهای زندگی فراهم می‌کند.

نهادهای دموکراتیک فرصت‌هایی را برای توسعه ایجاد می‌کنند اما ممکن است از این فرصت‌ها به نحو احسن استفاده نشود. این احتمال وجود دارد که سیاستمداران در پاسخ به محرک‌های انتخاباتی به جای افزایش تسهیلات و کالاهای عمومی به دنبال اهداف شخصی، حزبی و محلی خویش باشند. اما سایر شاخص‌های دموکراسی نظیر برخورداری از فرهنگ سیاسی پویا و مشارکت فعال شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی، می‌تواند چنین احتمالی را کاهش دهد. وجود آزادی‌های مدنی نظیر جریان آزاد اطلاعات موجب می‌شود تا شهروندان از چندوچون مسائل اجتماعی و سیاسی آگاه باشند و به ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی یاری رسانند.

از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی حکمرانی دموکراتیک، تسهیلاتی برای رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه فراهم می‌نماید. این امر خط بطلانی بر ادعای پرزورسکی می‌کشد که نوع حکومت را در رشد و توسعه اقتصادی موثر نمی‌داند. ساختار سیاسی متمرکز بسیاری از کشورهای در حال توسعه مشکلاتی را در مسیر توسعه انسانی این دسته از کشورها به وجود می‌آورد. خصوصیات و شرایط خاص کشورهای در حال توسعه، همچون چالش‌های امنیتی، کمبود منابع و از همه مهم‌تر چالش حکمرانی و عدم نهادینگی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی موجب می‌شوند که الگوی حکمرانی دموکراتیک در پیشبرد توسعه انسانی این قبیل از کشورها حائز اهمیت زیادی باشد.

رهیافت توسعه انسانی بهتر از سایر رهیافت‌های توسعه همچون نظریه نوسازی، به دموکراتیک شدن جامعه و قدرتمند شدن شهروندان بها می‌دهد. زیرا توسعه انسانی

منجر به رها شدن افراد از قید و بندهای اجتماعی و اقتصادی می‌شود و قاعدتاً مجال بیشتری برای رشد نهادها و ترتیبات سیاسی دموکراتیک فراهم می‌گردد. براین اساس، پژوهش حاضر با تأیید نظریه‌ها و مباحث اندیشمندانی مانند رابرت دال و لاری دیاموند، شاخص‌های توسعه انسانی مانند سطح نسبتاً بالای درآمد سرانه، باسوادی گسترده و بهداشت مناسب را در تشکیل و تثبیت جامعه متکثر و مدنی مفید می‌داند و بر اهمیت شاخص توسعه انسانی نسبت به سایر شاخص‌ها در تبیین شاخص‌های دموکراسی تأکید می‌ورزد. همچنین ادعای کریستین ولزل مبتنی بر وجود همبستگی میان تعدادی از شاخص‌های توسعه انسانی و سنجه‌های دموکراسی و ایده اصلی رونالد اینگلهارت درباره اثر شاخص‌های توسعه انسانی بر رشد ارزش‌های ابراز وجود، تصدیق می‌شود.

تحلیل داده‌های ثانویه از ۵۷ کشور منتخب در حال توسعه نیز به خوبی موید این واقعیت است که میان دو مفهوم توسعه انسانی و دموکراسی در این نوع از کشورها، همبستگی وجود دارد. به این معنی که ارتقای یکی به بهبود دیگری می‌انجامد و متعاقباً نقصان هر یک از مفاهیم مذکور، تأثیرات سوئی بر دیگری می‌گذارد. در نتیجه می‌توان گفت که فرضیه این پژوهش به آسانی قابل اثبات می‌باشد.

منابع

گریفین، کین و تری مک کنلی (۱۳۷۷) توسعه انسانی، دیدگاه و راهبرد، ترجمه غلامرضا خواجه پور، تهران: نشر وداد.

فطرس، محمدحسن و دیگران، (۱۳۹۰) «شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۱۰» فصلنامه اطلاعات اقتصادی و سیاسی، شماره ۲۸۴. تابستان.

هلد، دیوید (۱۳۶۹) مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات روشنگران، زمستان.

UNDP (1990), Human Development Report, New York: Oxford University press.

Rothschild, Emma, (1995), "What Is Security?" Journal of Dædalus, Vol, 124. No, 3.

United Nations (2000), "Koffi Annans Reports on UN Reforms". Available at: [http:// un.org](http://un.org).

United Nations Development Program (2002), "Human Development Report" available at: <http://hdr.undp.org/reports/global/2002/>

United Nations (2000), "Koffi Annans Reports on UN Reforms". Available at: [http://WWW. UN.org](http://WWW.UN.org).

Democracy Index (2011), Democracy in Retreat, "A Paper from Economist Inteligence Unit".

<http://WWW.wikipedia.org>

